

شناخت بازار جهانی نفت و عوامل تأثیرگذار بر آن

سید غلامحسین حسن تاش



مقدمه

تحلیل بازار جهانی و پیش‌بینی قیمت‌های جهانی نفت و تحلیل دلایل نوسانات آن معمولاً کار دشواری است. این دشواری به این دلیل است که عوامل متعدد و متنوعی بر بازار و قیمت‌های جهانی نفت تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این در یک سال گذشته تحولات جدیدتری نیز، صنعت جهانی نفت را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. در نوشتار حاضر تلاش شده است که مباحث مربوط به بازار جهانی نفت و عوامل تأثیرگذار بر آن دسته‌بندی شده و به این سوال پاسخ داده شود که چه عواملی بر این بازار تأثیر می‌گذارد و چرا تحلیل کردن بازار نفت دشوار است؟ بررسی همه موارد مجال بیشتری می‌طلبد و لذا سعی خواهد شد روی نکاتی تمرکز شود که ضمن روشن نمودن ابعاد مسأله تحلیلی از وضعیت فعلی بازار نیز ارائه گردد.

به طور کلی مانند هر کالا و بازار دیگر سه دسته عوامل بر روی نفت تأثیرگذار است. یک دسته عوامل اساسی که عمدتاً شامل عرضه و تقاضا و عوامل تأثیرگذار بر آنها هستند و تأثیراتشان معمولاً بلندمدت است. دسته دوم عوامل سیاسی‌روانی که معمولاً پدیده‌های سیاسی با آثار و تبعات روانی هستند و تا وقتی که پدیده سیاسی وجود دارد آثار روانی آن نیز حضور دارد و بنابراین آثار این پدیده‌ها میان مدت است و نهایتاً عوامل تکنیکی یا فنی هستند که تأثیرات کوتاه مدت دارند.

۱- عوامل اساسی

برای شناخت عوامل اساسی باید مجموعه‌ای از عوامل تأثیرگذار بر تقاضا و عرضه را بشناسیم که در اینجا به مهم‌ترین عوامل که در شرایط کنونی بازار نقش تعیین‌کننده‌تری دارند اکتفا شده است:

۱-۱ مهمترین عوامل تأثیرگذار بر تقاضا

در بحث تقاضا اولین نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که نفت خام کالایی است که طبیعتاً نیاز مستقیمی برای آن وجود ندارد و باید تبدیل به فرآورده‌های نفتی شود بنابراین هر عاملی که روی تقاضا برای فرآورده‌های نفتی تأثیر می‌گذارد به طور غیرمستقیم بر روی تقاضای نفت خام نیز اثرگذار است. به عبارت دیگر تقاضای نفت خام مشتق از تقاضای فرآورده‌های نفتی است. اما مهمترین عوامل تأثیرگذار بر فرآورده‌های نفتی و نفت خام در شرایط کنونی بازار، به شرح زیر هستند.

الف - نفت خام و فرآورده‌های نفتی کالاهایی کم‌کشش هستند یعنی درصد تغییرات مقدار در مقابل تغییرات قیمت بسیار محدود است و منحنی تقاضا به سمت عمودی شدن تمایل دارد. مطالعات اقتصادسنجی که در دوره‌های مختلف زمانی، چه در سطح جهانی و چه برای کشورهای مختلف انجام شده است این واقعیت را تأیید می‌کند. علاوه بر این مطالعات اقتصادسنجی نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر منحنی تقاضا کم‌کشش‌تر شده و خصوصاً بعد از دهه ۷۰، به دلیل سیاست‌هایی که کشورهای صنعتی برای بهینه‌سازی و صرفه‌جویی در مصرف انرژی و جایگزینی انرژی‌های دیگر به جای نفت به کار گرفتند، کشش قیمتی تقاضا برای دهه ۸۰ و ۹۰ به مرور کوچکتر شده است یعنی نفت خام بیش از پیش به یک کالای ضروری بدل گردیده است.

ب - عامل دیگری که بر رشد تقاضای فرآورده‌های نفتی و نفت خام اثر می‌گذارد رشد اقتصادی است. در چند سال گذشته با متوسط رشد اقتصادی نسبتاً بالایی در دنیا مواجه بوده ایم. البته در کشورهای کشورهای توسعه یافته صنعتی عضو OECD، رشد اقتصادی تأثیر تقریباً جاف‌افتاده و تثبیت شده‌ای بر روی تقاضا دارد و برای ادرصد رشد اقتصادی حدود ۰/۵ درصد رشد تقاضای انرژی را پیش‌بینی می‌کنند. اما در کشورهای توسعه یافته جدید مانند چین، تأثیر تغییرات الگوی مصرف یا شاخص‌های سطح زندگی (به سمت کشورهای OECD) بر روی تقاضا، بسیار با اهمیت‌تر است. کشور چین بیش از یک دهه است که رشد اقتصادی سالانه بالای ۱۰ درصد را تجربه می‌کند و این رشد اقتصادی و رشد تولید ملی متناسباً رشد تقاضای انرژی را طلب می‌کند، اما مسأله مهم‌تر این است که: درچین استانداردهای فرآیندها و تجهیزات مصرف‌کننده انرژی هنوز در حد کشورهای توسعه یافته نیست و بنابراین رشد اقتصادی در این کشور انرژی‌بری بیشتری نسبت به اعضای OECD خواهد داشت. اما مهم‌تر از آن تغییر شاخص‌های سطح زندگی است به این معنا که جامعه‌ای با استمرار چنین رشد اقتصادی طبعاً افزایش رفاه پیدا می‌کند و سرانه‌های استفاده از کالاهای انرژی‌بری به سمت شاخص‌های کشورهای صنعتی حرکت می‌کند و به همین دلیل کشوری مانند چین را به عنوان یک محور مهم رشد تقاضا در دنیا مطرح می‌کنند.

ج - یکی از شاخص‌هایی که در مدل‌های پیش‌بینی تقاضا مورد توجه قرار می‌گیرد، شاخص شدت انرژی است که عبارت است از میزان مصرف انرژی به ازای میزان مشخصی از تولید ناخالص ملی و در پیش‌بینی‌های روندی، روند حرکت این شاخص را نیز باید مشخص کرد. در کشورهای OECD شاخص شدت انرژی طی سال‌های اخیر کاهش قابل توجه سالانه نداشته است چراکه تقریباً به ثبات نسبی رسیده است. البته با تداوم قیمت‌های بالای جهانی نفت ممکن است تلاش‌های جدیدی جهت

کاهش شاخص شدت انرژی سازمان یابد.

چ - سهم سایر حامل‌های انرژی نیز در تقاضای نفت خام تأثیر دارد. اگر فی‌المثل تولید انرژی بادی، اتمی و غیره افزایش پیدا کند طبیعتاً می‌تواند تقاضای نفت خام را تحت تأثیر قرار دهد. ترکیب فعلی مصرف انرژی در سطح جهان و در ایالات متحده امریکا (به عنوان یک کشور شاخص که ۲۵ درصد کل انرژی جهان را مصرف می‌کند) در نمودار اترسیم شده است.



نکته قابل توجه این است که در طول ۳ یا ۴ دهه گذشته در کشورهای صنعتی تلاش بسیار زیادی شده که سهم سایر حامل‌های انرژی جایگزین نفت را بالا ببرند و سهم زغال سنگ را حفظ کنند اما علی‌رغم این تلاش‌ها نفت خام هنوز در سبد مصرف دنیا سهم ۳۴ درصدی خود را حفظ کرده است.

ه - عامل بعدی که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد رشد بخش حمل و نقل است. چرا که هم اکنون در حدود ۷۰ درصد نفت خام در جهان در بخش حمل و نقل مصرف می‌شود و حدوداً ۲۰ درصد در پتروشیمی و ۱۰ درصد در بقیه مصارف که حتی مصارف غیرانرژی مانند قیر و آسفالت را نیز شامل می‌شود.

بخش حمل و نقل بخشی است که در آن علی‌رغم همه تلاش‌های انجام شده هنوز جایگزین مناسبی برای فرآورده‌های نفتی پیدا نشده است. علاوه بر این بقیه انواع انرژی‌ها محدودیت بزرگی دارند و آن این است که برای تبدیل شدن به انرژی قابل حمل و نقل و قابل استفاده در نقاط مختلف تنها باید تبدیل به الکتریسیته شوند. (نمودار ۲)

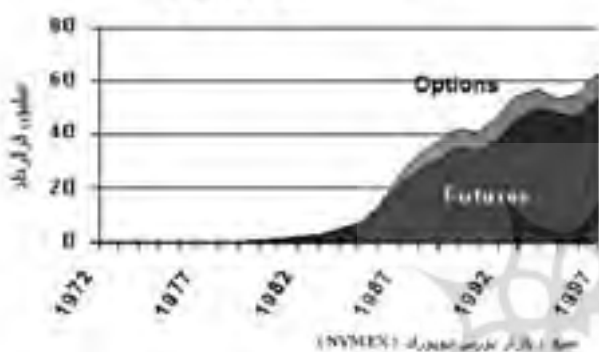


نمودار دیگری که کمک می‌کند اهمیت بخش حمل و نقل را بهتر متوجه شویم تراز نفت خام آمریکاست که در نمودار ۳ نشان داده شده است.

نفت بازاری یک پارچه است و اگر مشکلی بوجود آید گریبان همه را می‌گیرد و لذا برای امنیت این بازار همه کشورهای عمده مصرف‌کننده باید سهم خود را پذیرفته و نقش خود را ایفا کنند.

ت- از دیگر عواملی که هم در تقاضا و هم در عرضه تأثیر دارند بازارهای بورس نفت هستند که در آنها اصطلاحاً معاملات آتی انجام می‌شود. آمار و ارقام نشان می‌دهند که به ازای یک بشکه نفت که به صورت فیزیکی معامله می‌شود بیش از حدود ۲۰۰ بشکه نفت کاغذی معامله می‌شود. طبعاً تقاضایی که در این بازارها ایجاد می‌شود به صورت غیرمستقیم بر بازار فیزیکی نیز مؤثر است. از اواسط دهه ۷۰ که نفت خام وارد بازارهای بورس شده است حجم معاملات با شتاب در حال افزایش است نمودار ۴ روند افزایشی معاملات بازارهای بورس را نشان می‌دهد.

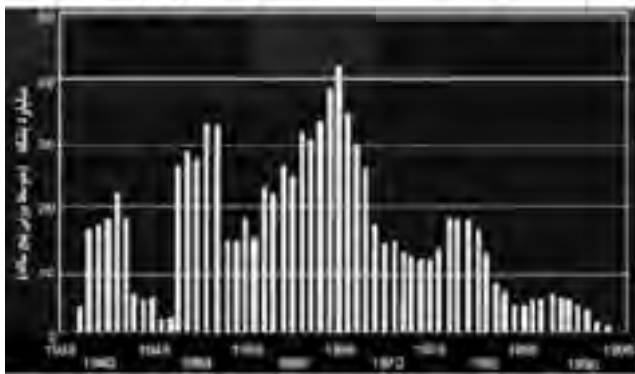
نمودار ۴ حجم معاملات بازارهای بورس



۲-۱ مهمترین عوامل مؤثر بر عرضه:

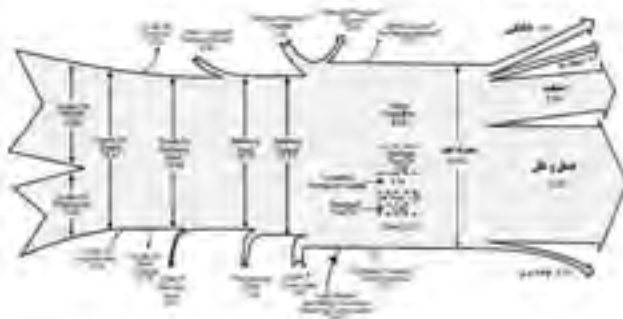
الف - میزان ذخایر نفت جهان و وضعیت این ذخایر، میزان پتانسیل‌های اکتشافی، میزان اکتشافات جدید، سطح جایگزینی سالانه ذخایر و حجم سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ای بر بازار نفت تأثیرگذارند. باید توجه داشت که تاکنون بیش از ۵۰ درصد از ذخایر شناخته شده جهان مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌است، همان‌گونه که در نمودار شماره ۵ ملاحظه می‌شود هم اکنون میزان اکتشافات سالانه نفت در سطح جهان کاهش یافته و طی چند سال گذشته میزان این اکتشافات به اندازه‌ای که جبران میزان استخراج سالانه نفت خام را بنماید نبوده است.

نمودار ۵ روند اکتشاف نفت در سطح جهان



۶۰ درصد از ذخایر نفت جهان در حوزه‌های عظیم قرار دارد که در اولین مراحل تاریخ صنعت نفت که امکانات و ابزارهای اکتشافی محدود بوده است اکتشاف شده‌اند و قطعاً دیگر بشریت با چنین

نمودار ۳ تراز نفت خام ایالات متحده ۲۰۰۴ میلادی



همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، آمریکا به دلیل وسعتش از نقاط مختلف واردات و بعضاً صادرات برخی از انواع نفت خام و فرآورده‌های نفتی را دارد. در سال ۲۰۰۴ میلادی بعد از همه ورود و خروج‌ها نهایتاً ۲۰/۵۲ میلیون بشکه در روز نفت خام در این کشور مصرف شده است که از این رقم ۱۳/۶۲ میلیون بشکه تنها در بخش حمل و نقل بوده‌است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود سهم نفت در تولید الکتریسیته بسیار ناچیز و در حدود ۵۰ هزار بشکه در روز و در صنعت نزدیک ۴/۵ میلیون بشکه در روز است. بنابراین بخش حمل و نقل را به عنوان بخشی حساس نسبت به تحولات بازار نفت مورد توجه قرار می‌دهند.

از این میزان مصرف بخش حمل و نقل ایالات متحده، حدود ۸ میلیون بشکه بنزین اتومبیل، حدود ۴ میلیون بشکه گازوئیل حمل و نقل سنگین و حدود ۱/۵ میلیون بشکه نیز سوخت حمل و نقل هوایی است.

و- مسأله بعدی محدودیت در ظرفیت‌های پالایشی است. طی یکی دو سال اخیر کراراً می‌شنویم که تحولات بازار نفت و افزایش قیمت نفت ناشی از بازار بنزین است، کسانی که قدری با صنعت پالایش آشنایی داشته باشند می‌دانند که در هر پالایشگاه با توجه به طراحی اولیه آن، ظرفیت مشخص و محدودی برای تولید فرآورده‌های مختلف وجود داشته و امکان مانور چندانی برای تغییر ترکیب محصولات وجود ندارد. بنابراین در شرایطی که تقاضای بنزین بالاست. پالایش گر برای اینکه تولید بنزین را افزایش دهد مجبور است نفت خام بیشتری پالایش کند که این نیز تقاضای نفت خام را افزایش می‌دهد. اگر این محدودیت مانور نبود طبعاً پالایشگاه‌ها برای تولید بنزین بیشتر تنها ترکیب پالایش خود را تغییر می‌دادند و تقاضا برای نفت خام افزایش نمی‌یافت.

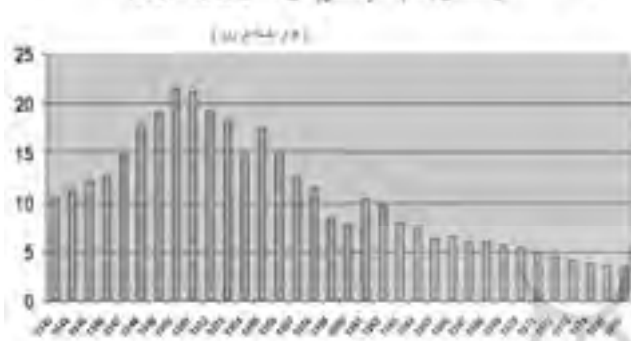
ز- رشد تقاضا در کشورهای خاص مانند ایالات متحده و هند و چین نیز بسیار مهم است. مورد چین قبلاً توضیح داده شد و در مورد آمریکا نیز با توجه به اینکه به تنهایی بیش از یک چهارم نفت خام جهان را مصرف می‌کند، توجه خاصی را می‌طلبد. رکود در اقتصاد آمریکا می‌تواند به معنای سقوط قیمت جهانی نفت و رونق اقتصادی آمریکا به معنای افزایش این قیمت‌ها باشد.

ح- یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر تقاضا، میزان تقاضای ذخیره‌سازی است. کشورهای صنعتی بعد از دهه ۷۰ و وقوع شوک اول نفتی سیاستی را در پیش گرفتند که برای شرایط بحرانی مقداری نفت خام را ذخیره‌سازی کنند و آژانس بین‌المللی انرژی در این رابطه دستورالعمل‌های خاصی را برای کشورهای عضو OECD اعمال می‌کند، اما این آژانس طی سال‌های اخیر کشورهایی مانند چین و هند که مصرف بالایی دارند را نیز تحت فشار قرار داده‌اند که متناسب تقاضا و نیاز خود ذخیره‌سازی داشته باشند. استدلال ایشان این است که بازار

بر کشتی کرده‌اند که مجدداً بتوان این تأسیسات را در حوزه‌های جدید دیگر مورد استفاده قرار داد و از این طریق هزینه‌های سرمایه‌گذاری این میادین کاهش یابد.

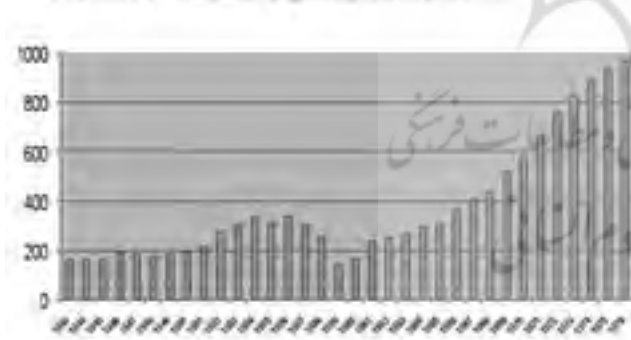
۷۰ درصد حوزه‌های نفتی جهان سن بالاتر از ۳۰ سال داشته و دچار کهنه‌ت هستند. در نمودار ۷ متوسط تولید چاه‌های خشکی ایران در دوره زمانی ۱۳۴۳ تا ۱۳۷۶ ارائه شده است، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود متوسط تولید هرچاه در اوج خود بیش از ۲۰ هزار بشکه در روز بوده که در سال ۷۶ به حدود ۴ هزار بشکه کاهش یافته و امروز ممکن است متوسط تولید هر چاه حتی کمتر از ۲۵۰۰ بشکه در روز باشد.

نمودار ۷: متوسط تولید چاه (خشکی) از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۷۶



نمودار ۸: که مکمل نمودار قبلی است نشان می‌دهد که در سال‌های ۵۴ و ۵۵ که سال‌های اوج تولید نفت خام ایران بوده است، تولید روزانه حدود ۵/۵ میلیون بشکه نفت خام از حدود ۳۳۰ چاه انجام می‌شده اما هم‌اکنون با حدود بیش از ۱۴۰۰ چاه حتی به سختی قادر به تحقق سهمیه تولیدمان در سازمان اوپک هستیم.

نمودار ۸: نفت خام تولید شده در ایران از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۷۶ (میلیون بشکه در روز)

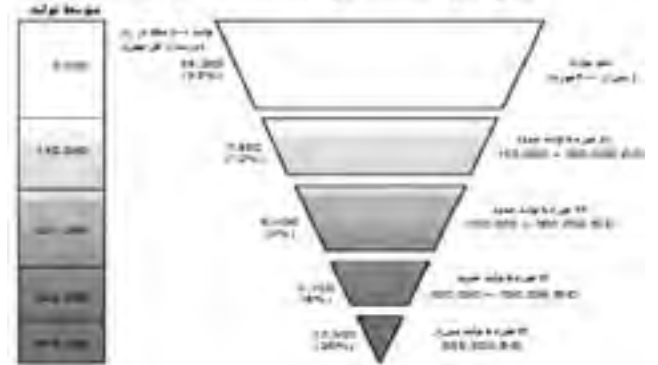


علاوه بر این باید توجه داشت که ارقام مربوط به ذخایر نفت خام نیز باتردید جدی روبه‌رو است. در گذشته چه در اوپک و چه در غیر اوپک به دلایل مختلف گرایش به بزرگ‌نمایی حجم ذخایر وجود داشته است.

همان‌گونه که در نمودار ۹ ملاحظه می‌شود در سال‌های ۱۹۸۵ و ۸۶ میلادی حجم ذخایر اوپک ناگهان افزایش یافته است. به دنبال مطرح شدن سیاست سهم بازار در سال‌های مذکور نهایتاً ملاک گرفتن سهمیه تولید برای اعضای سازمان اوپک حجم ذخایر کشورها شناخته شد و ملاک‌هایی مانند جمعیت و وسعت مورد توجه قرار نگرفت. بنابراین رقابتی بین کشورها در گرفت که ذخایر خود را بالا نشان دهند تا سهمیه بیشتری بگیرند و به ویژه بین ایران و عراق که در حال جنگ بودند رقابت مضاعفی در این زمینه وجود داشت.

حوزه‌های عظیم نفتی مواجه نخواهد بود، هرم میزان تولید از ذخایر نفت جهان در نمودار ۶ نشان داده شده است که البته در حال حاضر سهم تولید از مخازن کوچک به نسبت بیشتر از سهم تولید از مخازن بزرگ و قدیمی است.

نمودار ۶: هرم ذخایر نفت جهان



در کشور ما نیز همان‌گونه که در جدول زیر ملاحظه می‌شود از مجموع حدود ۳۲ مخزن نفتی در حال تولید کشور که ۲۵ مورد آن در خشکی و ۷ مورد دیگر در فلات قاره کشور واقع شده و در حال حاضر کمتر از چهار میلیون بشکه در روز تولید دارند، بیش از ۶۰ درصد نفت کشور تنها از شش حوزه و بیش از ۷۵ درصد آن تنها از ۱۲ حوزه استخراج می‌شود.

نمودار ۹: میزان تولید حوزه‌های عمده نفتی کشور

حوزه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
میدان نفتی	۱۲۰۰۰	۱۰۰۰۰	۸۰۰۰	۶۰۰۰	۴۰۰۰	۳۰۰۰	۲۰۰۰
فلات قاره	۱۰۰۰۰	۸۰۰۰	۶۰۰۰	۴۰۰۰	۳۰۰۰	۲۰۰۰	۱۰۰۰
مخزن آبی	۸۰۰۰	۶۰۰۰	۴۰۰۰	۳۰۰۰	۲۰۰۰	۱۰۰۰	۵۰۰
مخزن آبی	۶۰۰۰	۴۰۰۰	۳۰۰۰	۲۰۰۰	۱۰۰۰	۵۰۰	۲۰۰
مخزن آبی	۴۰۰۰	۳۰۰۰	۲۰۰۰	۱۰۰۰	۵۰۰	۲۰۰	۱۰۰
مخزن آبی	۳۰۰۰	۲۰۰۰	۱۰۰۰	۵۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۵۰
مخزن آبی	۲۰۰۰	۱۰۰۰	۵۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۵۰	۲۰
مخزن آبی	۱۰۰۰	۵۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۵۰	۲۰	۱۰
مخزن آبی	۵۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۵۰	۲۰	۱۰	۵
مخزن آبی	۲۰۰	۱۰۰	۵۰	۲۰	۱۰	۵	۲
مخزن آبی	۱۰۰	۵۰	۲۰	۱۰	۵	۲	۱
مخزن آبی	۵۰	۲۰	۱۰	۵	۲	۱	۰
مخزن آبی	۲۰	۱۰	۵	۲	۱	۰	۰
مخزن آبی	۱۰	۵	۲	۱	۰	۰	۰
مخزن آبی	۵	۲	۱	۰	۰	۰	۰
مخزن آبی	۲	۱	۰	۰	۰	۰	۰
مخزن آبی	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مخزن آبی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

در دوران مدیریت هشت سال گذشته صنعت نفت سعی در انتقال این تلقی شده‌است که: ما هنوز دوسوم مناطق کشور را تحت بررسی‌های اکتشافی جدی قرار نداده ایم و در صورت انجام عملیات اکتشافی در این مناطق ممکن است ذخایر نفت به سه برابر میزان فعلی افزایش یابد. در حالی که این مطلب مطلقاً صحیح نیست زیرا مطالعات اولیه اکتشافی در همه کشور انجام شده و طبعاً مشابه با آنچه که در همه جهان اتفاق افتاده است، در مراحل اولیه مناطق با پتانسیل بالاتر مورد فعالیت‌های دقیق‌تر و تکمیلی اکتشافی قرار گرفته‌اند. اگر فعالیت‌های اکتشافی بیشتری انجام شود امکان کشف حوزه‌های جدید نئیدروکربوری منتفی نیست اما قطعاً این حوزه‌ها بسیار کوچک و با ذخیره محدود بوده و به هیچ وجه با حوزه‌های واقع در مناطق نفت خیز کشور قابل مقایسه نخواهند بود. در سایر مناطق جهان نیز همین‌گونه است.

به عنوان مثال در حوزه‌های جدیدی که در دریای شمال مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند به دلیل محدودیت نفت و کوچک بودن این حوزه‌ها یکی از شرایط اینکه این حوزه‌ها اقتصادی شوند این بوده است که تأسیسات مربوطه تا حد ممکن متحرک شوند، چراکه تأسیساتی که معمولاً برای بهره‌برداری از حوزه‌های نفتی و فرآوری‌های نفت خام بنا می‌کنند حداقل ۲۰ سال عمر مفید دارند در حالی که این میادین پس از پنج یا شش سال نفتشان تمام می‌شود و لذا برای اینکه بهره‌برداری از این میادین اقتصادی شود تا حد امکان تأسیسات را متحرک و سوار

گذشته شاهد قیمت‌های بالای نفت هستیم هنوز شاهد تحقق سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه متناسب در افزایش تولید نفت در سطح جهانی نیستیم. آیا این به آن معنی است که اصطلاحاً کفگیر به ته دیگ خورده است؟ یا مشکلات دیگری وجود دارد. آنچه مسلم است اینست که تاکنون در مدل‌های پیش‌بینی اصلاً توجهی به امکان‌پذیری فنی عرضه نمی‌شد و توجه نمی‌شد که نفت خام کالای تولیدی نیست بلکه استخراجی است و استخراج از مخازن نفتی با ریسک و عدم اطمینان مواجه است، اما اینک با آشکار شدن تنگناهای موجود توجه بیشتری به واقعیت‌های عرضه بوجود آمده است.

علاوه بر این به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی با نوعی پارادوکس عرضه مواجه هستیم. به این معنا که منحنی عرضه نفت خام ممکن است در ناحیه صعودی خود و در قیمت‌های بالاتر به سمت چپ برگردد زیرا کشورهای صاحب نفت و شرکت‌های نفتی با توجه به پروژه‌هایی که در پیش رو دارند و با توجه به اینکه این پروژه‌ها با ریسک زیادتر و دشواری‌های بیشتر مواجه است، ممکن است انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری نداشته باشند درحالی که از محل بالا رفتن قیمت‌های نفت به اندازه کافی سود می‌کنند. در چند سال گذشته ارزش سهام شرکت‌ها به شدت بالا رفته و سودهای نجومی داشته‌اند و علاوه بر این کشورهای صاحب نفت نیز با عدم امکان جذب درآمدهای بیش از حد حاصل از نفت در اقتصادهای خود روبرو بوده و نگران مواجه شدن با پدیده‌هایی مانند تفرین منابع و بیماری‌های ناشی از آن می‌باشند.

ب- میزان ظرفیت‌های تولید اوپیک و غیراوپیک نیز از دیگر عوامل مهم تأثیرگذار بر بازار هستند. بعد از دهه ۷۰ در سازمان اوپیک ارتباط بین ظرفیت‌های تولید و میزان تولید واقعی تقریباً قطع شده و این در نتیجه فعالیت‌های کشورهای صنعتی بود که سعی کردند کمترین وابستگی را به تولید اوپیک داشته باشند و این موجب شد که اوپیک همیشه اضافه ظرفیت داشته باشد. نمودار ۱۰ این مسأله را توضیح می‌دهد.



اما در جهت کاملاً معکوس نمودار ۱۱ متعلق به غیراوپیک است و نشان می‌دهد که در غیر اوپیک در واقع هرگز اضافه ظرفیتی وجود نداشته و ندارد و فاصله‌ای که بین ظرفیت‌ها و تولید دیده می‌شود در واقع اضافه ظرفیت عملیاتی است که به وضوح درصد مشخصی از ظرفیت تولید می‌باشد.



در غیراوپیک نیز همین بزرگ‌نمایی‌ها با انگیزه‌های دیگری وجود داشته است به عنوان مثال حدود یک سال پیش اتفاق مهمی در شرکت نفتی شل رخ داد و آن افشاء این مسأله بود که مدیران شرکت مذکور عده‌های مربوط به حجم ذخایر تحت تملک خود را دست‌کاری کرده و بزرگ‌نشان داده بودند.

این مدیران معمولاً صاحب سهم نیز بوده و در بورس منافع داشته‌اند و طبیعتاً یکی از مهم‌ترین دارایی‌هایی که بر قیمت سهام شرکت‌های نفتی تأثیر می‌گذارد میزان ذخایر زیرزمینی است. اما موضوع جالب‌تر این است که به دنبال افشاء این موضوع انتظار این بود که این مطلب را شرکت‌های رقیب دامن زده و بهانه‌ای قرار دهند که شرکت شل را تخریب کنند ولی برخلاف تصور چنین اتفاقی به وقوع نپیوست و موضوع به سرعت فرونشست، تنها دلیلی که به ذهن می‌رسید و اخبار و شواهد بعدی نیز آن را تأیید کرد این بود که همه شرکت‌ها از این‌گونه تقلب‌ها و بزرگ‌نمایی‌ها داشته‌اند و اگر موضوع را دامن می‌زدند ممکن بود موارد مربوط به خودشان نیز افشاء شود. چندی پیش در آمریکا کتابی تحت عنوان «برزخ صحرا، یا شوک قریب‌الوقوع در نفت عربستان سعودی» انتشار یافته که بازتاب گسترده‌ای داشته است.

نویسنده در اظهارات خود در مورد این کتاب می‌گوید: با بررسی ۴۰۰ مقاله علمی به این نتیجه رسیده‌ام که عربستان در ادامه تولید نفت خود دچار مشکلات بسیار حادی است و اینکه بتواند روزی ۲۰ میلیون بشکه یا بیشتر تولید کند تنها یک افسانه است و اضافه می‌کند: «برخلاف اینکه در دنیا ادعا می‌کنند ذخایر عربستان حدود ۲۵۰ میلیارد بشکه است من ادعا می‌کنم که این ذخایر از ۱۱۰ میلیارد بشکه تجاوز نمی‌کند». وی نکات قابل تأمل دیگری را نیز مورد اشاره قرار می‌دهد، از جمله این که در مورد بسیاری از اقداماتی که گفته می‌شد به افزایش بازیافت نفت کمک می‌کند، هنوز هیچ استدلال محکم علمی وجود ندارد که این اقدامات ضریب بازیافت را عملاً بالا برده باشند بلکه این اقدامات تنها سرعت تولید از مخازن را افزایش داده ولی بعضاً مشکلات فنی زیادی را هم برای مخازن بوجود آورده‌اند که مهم‌ترین آن نفوذ آب به نفت و افزایش میزان تولید آب نمک در چاه‌ها است.

همچنین حدود ۶ سال پیش در گردهمایی عظیم کنگره جهانی نفت، رییس شرکت BP سخنرانی خود را این‌گونه آغاز نمود که: «من مخالف IT و کامپیوتر نیستم. ولی زمانی که همه سرمایه‌گذاری‌های دنیا به سمت اینها می‌رفت گفتم که باید بر روی نان و آب مردم و صنعت نفت نیز سرمایه‌گذاری کرد و اکنون می‌بینیم که دچار بحرانییم». اما نکته بسیار قابل تأمل این است که در حالی که در دو سال

نکته مهم دیگر در مورد عوامل سیاسی روانی این است که اوپک به محوریت عربستان عملاً در چند سال اخیر نقش کنترل روانی بازار را به عهده داشته و در واقع حساسیت‌های روانی بازار را به نفع کشورهای صنعتی کنترل نموده است.

۳- عوامل تکنیکی

عوامل تکنیکی مانند سوانجی که موجب صدمه به تأسیسات می‌شود یا طوفان‌هایی که باعث بسته شدن اسکله‌های بارگیری می‌شوند و یا سوانجی که برای کشتی‌های حمل نفت رخ می‌دهد نیز اثرگذار هستند ولی اثراتشان کوتاه‌مدت است در یکی دو سال اخیر با وقوع حوادث بزرگ طبیعی مانند تسونامی در آسیای جنوبی و طوفان کاترینا در آمریکای مرکزی تأثیر این‌گونه عوامل بر بازار نفت نیز قابل توجه بوده است.

نتیجه‌گیری

چرا تحلیل و پیش‌بینی بازار نفت دشوار است؟

همان‌گونه که ملاحظه شد تعداد و تنوع عوامل تأثیرگذار بسیار زیاد است و حتی آثار سایر بازارها نیز به نوعی از طریق بازار بورس بر روی بازار نفت ظاهر می‌شود، به عنوان مثال ممکن است در اثر رکود در بازار طلا یا سهام یا سایر اقلام مهم تجاری بازیگران آن بازارها تصمیم به انتقال منابع مالی خود به بورس‌های نفتی و دادوستد در بازار معاملات آتی نفت بگیرند که در این صورت قیمت‌های آتی افزایش یافته و طبعاً بر روی قیمت‌های جاری نیز تأثیر خواهد گذاشت.

علاوه بر این یکی از مشکلات بازار نفت این است که اطلاعات در این بازار اصلاً شفاف نیست که خود دلایل مختلفی دارد. یکی اینکه آمار و ارقام در بازار نفت استاندارد نیستند به عنوان مثال اوپک در تعریف خود از نفت خام میعانات گازی را جزو آن نمی‌داند اما بعضی مراجع معتبر دیگر ارقام میعانات را به نفت خام اضافه می‌کنند و دیگر اینکه همه عوامل بازار اعم از مصرف‌کننده و تولیدکننده به دلایل مختلف و با انگیزه‌های گوناگون اعداد و ارقام غیر واقعی را از تولید و مصرف خود ارائه می‌دهند. نوع خلاف‌گویی‌ها نیز به گونه‌ای نیست که در یک جهت مشخص به صورت برآورد بیشتر یا کمتر از واقع باشد و بتوان با ضرایب تعدیلی آن را اصلاح نمود، به عنوان مثال برخی از اعضا اوپک برای پوشاندن تخلفات خود تولیدشان را کمتر از واقع نشان می‌دهند و برخی دیگر برای از دست ندادن سهمیه خود، تولیدشان را بیش از واقع گزارش می‌کنند.

بنابراین پیش‌بینی و تحلیل در بازار نفت با دشواری و نااطمینانی مواجه است و البته در شرایط فعلی اغلب پیش‌بینی‌ها این است که قیمت‌ها در آینده نزدیک پایین نخواهند آمد، اما در مورد اینکه چه عاملی بیش از هر عامل دیگر ممکن است امنیت تقاضای نفت را به خطر انداخته و احیاناً موجب سقوط قیمت‌ها شود، به نظر می‌رسد که باید به بخش حمل و نقل توجه بسیار داشت و اگر سوخت جدیدی ابداع شود که جایگزین فرآورده‌های نفتی برای حمل و نقل باشد، تهدیدی برای تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان نفت خواهد بود، زیرا بخش حمل و نقل ۷۰ درصد تقاضا را به خود اختصاص داده است. بنابراین کشورهای نفتی باید تحقیقات مربوط به سوخت‌های جایگزین برای حمل و نقل را با حساسیت پی‌گیری نمایند و در این رابطه به ویژه تکنولوژی GTL که امکان به دست آوردن میان تقطیرها از گاز طبیعی را فراهم می‌آورد از بیشترین اهمیت برخوردار است.

منابع و مآخذ

- 1-Iran Country Analysis Brief , on www.eia.doe.gov
- 2-US oil Flow , on www.eia.doe.gov
- 3-Opec Annual Statistical Bulletin , سال‌های مختلف
- 4-سخنرانی‌ها و مقالات: (Matthew.R.Simmons) بر روی سایت www.simmonsco-intl.com
- 5- ذخایر استراتژیک، تیغ دو لبه اقتصاد انرژی شماره ۹ بهمن ۱۳۷۸
- 6- ارقام جعلی و سرگردانی در بازار نفت اقتصاد انرژی شماره ۵۱-۵۲ تیر و مرداد ۱۳۸۲



می‌توان نتیجه‌گیری نمود که مسوولیت در اختیار داشتن اضافه ظرفیت جهت تنظیم بازار به عهده اوپک گذاشته شده و در هر حال میزان این اضافه ظرفیت بر بازار تأثیرگذار است، یکی از مشکلات اخیر بازار نفت که افزایش حساسیت بازار و افزایش قیمت‌ها را به دنبال داشته است همین مسأله فقدان ظرفیت مازاد تولید و نزدیک شدن ظرفیت مازاد تولید اوپک به صفر می‌باشد.

ج- ذخیره‌سازی‌های تجاری و استراتژیک نیز همان‌گونه که بر تقاضا مؤثر بود بر عرضه نیز مؤثر هستند در شرایط خاصی ممکن است تصمیم گرفته شود که این ذخایر وارد بازار شود.

د- تحول در ساختار هزینه‌های تولید نیز در عرضه مؤثر است. با فرض ثابت بودن تکنولوژی، هزینه‌های تولید در حال افزایش اند زیرا همان‌گونه که اشاره شد هرچه بهره‌برداری از حوزه‌های نفتی ادامه می‌یابد با افت تولید در مخازن موجود و یا با حوزه‌های جدید اکتشاف کوچکتر یا در عمق بیشتر دریاها و اقیانوس‌ها، در شرایط سخت‌تر، و با بازدهی کمتر و واقع در نقاط دور افتاده‌تر روبه‌رو هستیم که هزینه را به شدت بالا می‌برد. البته عامل دیگری نیز هست که عکس این عمل می‌کند و آن تحولات تکنولوژیکی است. بنابراین اگر تحولات تکنولوژیکی موجب کاهش قابل توجه هزینه‌های اکتشاف و استخراج از حوزه‌های جدید با شرایط مذکور شوند طبعاً بازار را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

ه- بازارهای بورس نیز همان‌گونه که بر تقاضا مؤثر بودند بر عرضه نیز مؤثرند. مثلاً هنگامی که به هر دلیل همه عوامل در بازار آتی‌ها تصمیم بگیرند که بشک‌های کاغذی‌شان را بفروشند و پول‌ها را به بازارهای دیگری ببرند، طبیعتاً حجم عرضه در بازار بورس نفت زیاد می‌شود و در بازار فیزیکی هم تأثیر خواهد گذاشت.

۲- عوامل سیاسی روانی

حساسیت‌های روانی بازار نفت بسیار زیاد است. عوامل سیاسی روانی مانند جنگ‌ها، حملات تروریستی و حتی تهدیدها، بازار نفت را تحت فشار روانی قرار داده و موجب افزایش قیمت‌ها می‌شوند. خصوصاً اینکه در شرایط کنونی بازار، تقلیل ظرفیت‌های مازاد تولید به نزدیک صفر، حساسیت روانی بازار را به شدت افزایش داده است. باید توجه داشت که عوامل سیاسی و روانی لزوماً هم جهت با عوامل اساسی عمل نمی‌کنند، یعنی در بسیار موارد ممکن است عوامل اساسی به گونه‌ای باشند که قیمت‌ها را به سمت کاهش سوق دهند اما عوامل سیاسی روانی فشار افزایشی داشته باشند و این خود تحلیل بازار را پیچیده می‌نماید. به عنوان مثال اگر در شرایطی، کشورهای صنعتی ناچار به برداشت از ذخایر استراتژیک شوند، طبعاً اثر فیزیکی آن افزایش عرضه نفت خام خواهد بود اما تلقی عوامل بازار آن خواهد بود که حتماً جهان با شرایط بحرانی ویژه‌ای مواجه است و این تلقی‌ها و انتظارات اثر افزایش عرضه را خنثی خواهند نمود.